

نقش رسانه‌های غربی در اسلام هراسی بعد از ۱۱ سپتامبر

سعید بشیری، مهرداد اسماعیلی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی - پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

سعید بشیری

چکیده

امروزه اسلام هراسی در رسانه‌های غربی اهمیتی ویژه یافته است زیرا رسانه‌های تبلیغاتی غرب، آینه جوامع غربی‌اند و از این طریق می‌توان نگاه غرب نسبت به اسلام و مسلمانان را درک نمود. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که: رسانه‌های غربی چه نقشی در اسلام هراسی بعد از ۱۱ سپتامبر دارند؟ فرضیه پژوهش عبارت است از: رسانه‌های غربی پس از ۱۱ سپتامبر با تکیه بر جنگ‌های صلیبی و با برجسته کردن بنیادگرایی، القاعده و سلفی‌ها در صدد نهادینه کردن گفتمان اسلام هراسی در افکار عمومی می‌باشند. به نظر می‌رسد جهان غرب بعد از سقوط سوری و حادثه ۱۱ سپتامبر تلاش نموده تا خطر شیطان سیز را جایگزین خطر شیطان سرخ کند؛ در همین راستا مطبوعات و رسانه‌های غربی با استفاده از الگوهای رسانه‌ای از جمله وانمایی که به خلق جهانی جدید توسط نشانه‌ها از جانب رسانه‌ها می‌پردازد و نسبت به افراد، مکان‌ها و اتفاقات تعابیر جدیدی را خلق می‌کند همچنین سعی دارد با جایگزین کردن حقایق، افراد را به شکل غیرملموس ودار کند تا از طریق این تعابیر به کنش با یکدیگر پردازند. برجسته کردن مفاهیمی چون حقوق زنان، مجازات خشن اسلامی، جهاد و تروریسم زمینه مساعدی برای پذیرش و مقبولیت گفتمان اسلام هراسی در اذهان غربی‌ها ایجاد نماید.

کلیدواژه: اسلام هراسی، رسانه، تبلیغات، اینترنت، تصویرسازی، ۱۱ سپتامبر

مقدمه

اسلام هراسی یکی از راهبردهای جهان غرب است که در بستر طولانی تاریخی شکل گرفته است. نگرش عمدۀ این پدیده در غرب برگرفته از دو ریشه درگذشته است که با جنگ‌های صلیبی که مبانی و انگیزه اعتقادی جنگ‌های صلیبی برای «رسیدن به یک آرمان» آغاز و با شناخت غربی‌ها در غالب شرق‌شناسی ادامه پیداکرده، همچنین تحولات اخیر در کشورهای خاورمیانه و ایجاد پدیده‌هایی مانند القاعده، داعش و...، جهت‌گیری این گروه‌ها در مبارزه با جهان غرب و اقدامات تروریستی آنان در کشورهای مختلف دنیا پروژه اسلام هراسی را بیش از پیش نمایان کرده است. از آنجاکه شناخت غربی‌ها درباره اسلام را باید در میان بیزانس، سیسیل و اندلس یافت؛ اما شکل‌گیری ذهنیت تاریخی مسیحی را باید در جنگ‌های دویست‌ساله صلیبی جستجو کرد (اسعدی، ۱۳۸۱: ۱۹). این روند پس از اصلاح دینی و آغاز عصر جدید در اروپا که گروهی از اسلام شناسان در راستای علمی کردن دیدگاهشان نسبت به اسلام انجام دادند و با یکسری اتهامات بعد از جنگ‌های صلیبی که به مسلمانان وارد کردند رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت (الوبیری، ۱۳۸۱: ۵۸). زقزوقد^۱ در کتاب اسلام و غرب می‌نویسد: اسلام دینی است که نمی‌تواند پیشرفت کند و دینی غیراخلاقی، غیرعلمی و استبدادی است؛ آنان اندیشه اسلامی را بر پایه پیکار با غیرمسلمانان تا وقتی که تمام عالم بندگی الله را بپذیرند استوار می‌دانستند (زقزوقد، ۱۳۸۷: ۲۱). برنارد لویس^۲ غرب را دارای یک برتری ذاتی نسبت به شرق می‌دانستند؛ و معتقد بود غرب به رغم وجود کشورها و زبان‌های مختلف، یک کلیت منسجم و ازنظر فرهنگ، مذهب و ارزش‌ها یک جامعه اصیل و یکدست است. غربی‌ها ملت‌های هم‌فکرند که به ارزش‌ها بنیادین مانند آزادی، حقوق بشر و ضوابط اخلاقی اعتقاددارند (لوئیس، ۱۳۸۳: ۳۳-۲۹).

این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی انجام می‌شود در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است: رسانه‌های غربی چه نقشی در اسلام هراسی بعد از ۱۱ سپتامبر دارند؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه پژوهش نیز بدین گونه بیان می‌شود: رسانه‌های غربی پس از ۱۱ سپتامبر با تکیه بر جنگ‌های صلیبی و با بر جسته کردن بنیادگرایی، القاعده و سلفی گرایی در صدد نهادینه کردن گفتمان اسلام هراسی در میان افکار عمومی غرب می‌باشند.

چارچوب نظری

اسلام هراسی در غرب به لحاظ تاریخی پدیده‌ای قدیمی بوده که ریشه آن به زمان ظهور اسلام بر می‌گردد. طرح مهمی که در رابطه با اسلام هراسی به عنوان یک مسئله مهم در دنیا برای مسلمانان تولید شده، بخش مهم آن متعلق به حوزه تصاویر تولیدشده از جانب رسانه‌ها هست که نشان‌دهنده طرز تلقی غرب از شرق هست. آنچه مهم است اثرگذاری نقش رسانه‌های غربی در اسلام هراسی بخصوص بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر به عنوان یکی از عوامل تشدید کننده می‌باشد؛ اما نکته قابل توجه این است که رسانه‌ها با استفاده از چه الگوهایی به این تصویرسازی مباردت می‌ورزند. آنها با استفاده از چند الگو که به ترتیب ذیل می‌باشند بهره‌برداری می‌کنند.

می‌توان گفت غرب با استفاده از موضوعاتی مانند حقوق بشر، حقوق زنان، پوشش، مردم‌سالاری و ... به صورت متناوب طرح و در گستره‌های وسیع انتقادی و غیرواقعی توزیع می‌شوند تا بدین وسیله اصالت، کارآمدی و قابلیت‌های اسلام، نفی و ایدئولوژی ای بسته شناسانده شود (بنارد، ۱۳۸۴: ۴). روزنامه به عنوان یک رسانه نیز از این سیاست جدا نخواهد بود مجله تایمز در مقاله‌ای به‌هدف معادل قرار دادن اسلام با نژادپرستی و نازیسم به همانه درج خبر گرویدن یک آلمانی به اسلام این عنوان را انتخاب نمود: اقدام بعدی یک نئونازی متخصص این بود که به اسلام روی آورد. در این روزنامه به آلمانی‌ها توصیه می‌شود که نازیسم را فراموش کرده و به مخالفت با اسلام برخیزند. استفاده از کلیدواژه‌های اسلام و نازیسم در کنار هم از شگردهای این عنوان خبری است که با شنیدن کلمه اسلام مفهوم و خاطر نازیسم را در ذهن خواننده تداعی می‌کند (خانی، ۱۳۸۹: ۴۹). نظریه تصویرسازی معتقد است تصاویر مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و واقعیت‌ها در چارچوب تصاویر معنا و مفهوم می‌یابند، می‌توان اظهار داشت مبنای اسلام هراسی را تصاویر ساخته و پرداخته شده در فضای تعاملی جهان اسلام - غرب شکل می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۲). مطابق این الگو اگر تصویر تولید شده بتواند فاصله خود را با برجسب کند و به آن متصل شود، از بیشترین میزان اثرگذاری برخوردار خواهد بود؛ بر عکس هرچه این در ادامه، این فاصله بیشتر شود، کارآمدی آن کاهش خواهد یافت (نصر، ۱۳۸۰: ۴۲۰-۴۱۸). رسانه‌ها که آیینه انعکاس رویدادهایند اما واقعیت دنیای اجتماعی و سیاسی را منعکس نمی‌کنند بلکه بر اساس

الگوی چارچوب آفریننده واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی هستند و به برداشت افراد از دنیای اطرافشان هستی می‌بخشد. بر اساس این آن-ها با انتخاب داده‌ها در فرمول‌ها و قالب‌های جاافتاده آنان را به هم ربط می‌دهند و معنadar می‌سازند. رسانه‌ها بنابراین این رویداد نیست که قالب را تعیین می‌کند بلکه این قالب است که داده‌ها را برمی‌گزیند و روابط آن‌ها را شکل می‌بخشد. رسانه‌ها عموماً با تصویری پیش‌ساخته و داستانی پیش‌پرداخته به مشاهده رویدادها می‌روند و با نگرشی شکل گرفته، به گزینش داده‌ها و بررسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند. فرایند گردآوری، گزینش و انتشار رویدادها، فرایندی عینی و بی‌طرفانه نیست بلکه آمیخته به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. راجر فالر^۱ معتقد است: اخبار، ساختاری اجتماعی دارند، واقعی که گزارش می‌شوند، در واقع بازتابی از اهمیت خود واقعه نیست بلکه نمایانگر یکسری ملاک‌های پیچیده و تصنیع برای گزینش اخبار است. سپس این اخبار گزینش شده، پردازش و رمزگذاری می‌شوند تا بیشترین تأثیر را بر مخاطبان بگذارند (مهدیزاده، ۱۳۸۰: ۲۰). در الگو بازنمایی می‌توان گفت: به مطالعی که برای انعکاس انتخاب می‌شوند و چگونگی عرضه به مخاطبان توجه می‌شود. جهان اجتماعی به شکل صحنه‌ای ترسیم که رویدادهای تصادفی و غیرمنتظره در آن به وقوع می‌پیوندند. بهنحوی که تصویر کلی آن ناهمگن و از هم‌گسیخته به نظر آید. تلویزیون سیاست را برای ما تعریف می‌کند و شرایط مباحثه سیاسی را به‌گونه‌ای فراهم می‌آورد که اساساً حامی منافع صاحبان قدرت و ثروت از آن درآید. مخاطبان به ناظران بیرونی دستگاه سیاسی تبدیل می‌شوند و به بی‌اختیار و بی‌قدرت بودن خویش عادت داده می‌شوند (دالگرن، ۱۳۸۰: ۸۲). تصویری از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیاء و رویدادها به مخاطبان انگاره سازی تجلی پیدا می‌کند که رسانه‌ها و با برنامه‌ریزی، دست به تصویرسازی خبری یا انگاره سازی خبری می‌زنند.

کارل هوسمن^۲ معتقد است رسانه‌ها، یک فضای ساختگی ارائه می‌دهند، برداشتی ذهنی از جهان که ضرورتاً با جهان واقعی منطبق نیست؛ اما این دنیای ذهنی و ساختگی صرفاً ساخته و پرداخته خود رسانه نیست (هوسمن، ۱۳۷۹: ۱۳۷). در انگاره سازی، واقعیت‌ها دست‌کاری می‌گردد و توأم و کلید کارگشای معنا سازی در رسانه و تکنیک با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند. انگاره سازی تولیدات آن‌ها است (شعار غفاری، ۱۳۷۴: ۲۱). در انگاره سازی آنچه مهم نیست انعکاس واقعیت و رویداد است. در اینجا هدف و ماهیت کار، استفاده از دستمایه واقعیت یک رویداد برای ارائه تفسیری پنهان در لفاف آن است (رسوی زاده، ۱۳۷۷: ۹۱۲) آنچه در نظریات پست‌مدرنیست‌ها به‌ویژه بودریار^۳ یافت می‌شود مفهوم وانمایی است. آنان معتقدند آنچه رسانه‌ها در ظاهر امر چیزهایی شبیه واقعیت نشان می‌دهند اما واقعیت را نشان نمی‌دهند. چراکه وانمایی واقعیت را نفی نمی‌کند بلکه تفاوت میان واقعیت و تصویر را مخدوش می‌کند. در وانمایی خلق جهانی تولیدات آن‌ها است (شاعر غفاری، رسانه‌ای موردنویجه است و این رسانه‌ها هستند که نسبت به افراد، مکان‌ها و رویدادها تعابیر را می‌سازند و جایگزین حقایق می‌کنند و درنهایت، این تعابیر اساس کنش متقابل افراد را تشکیل می‌دهند؛ و حقیقت از راه وانمایی‌ها شکل می‌گیرد (بودریار، ۱۳۷۴: ۹۱). بودریار معتقد است که وانمایی‌های رسانه‌ای مناسبات اجتماعی جدیدی را خلق می‌کنند که در جهت منافع حاکمان عمل می‌کند. وی درخصوص وانمایی و اجتماعی می‌نویسد: نظارت اجتماعی پشت این وانمود کردن حقیقت یعنی از راه وانمایی‌ها شکل می‌گیرد. به همین دلیل مشکل رسانه‌ها که سازنده وانمایها هستند، آن‌ها را به نظام قدرت متصل می‌کند. همین اسلوب، بنیانی برای سرمایه‌داری ایجاد می‌کند. سرمایه‌داری از قلمرو شبیه‌سازی صنعتی گذشت و به متأفیزیک رمزگان رسید که همان وانمایی باشد (رسوی زاده، ۹۱۳: ۱۳۷۷). به طور کلی اشاعه یک تصویر خلاف واقع، منفی و غیرمتواهله از اسلام به منظور ترویج یک حس توأم با تنفر و وادشنون ناخودآگاه مخاطبان به اتخاذ یک دیدگاه و رویکرد تعصب‌آمیز، جانبدارانه و تبعیض‌آمیز نسبت به اسلام و جوامع اسلامی مخرج مشترک الگوهایی است که از اسلام هراسی ارائه شده است (Gottschalk & Greenberg, 2008: 2).

اسلام هراسی؛ تاریخچه، تعریف و روند شکل گیری

واژه اسلام هراسی از سال ۱۹۹۸ وارد ادبیات غرب شده است. تعریف دقیقی از اسلام هراسی وجود ندارد اما شاخص‌هایی مانند: «عدم تساهل»، «بیگانه‌ستیزی» (Roald, 2004: 53) و نژادپرستی (Johnson, 1998: 182) برای آن در نظر گرفته شده است. اسلام هراسی عبارت است از بازنمایی منفی اسلام و مسلمانان از طریق کدگذاری مسلمانان به مفاهیم کلی مثل خشونت، ترور، بنیادگرایی، غیر متمدن بودن، غیر مدنی زیستن و همه عنصری که بهنوعی ضد هنجارهای انسانی و بهطور خاص ضد هنجارهای غربی محسوب می‌شود. (عاملی، ۱۳۸۶: ۵). موسسه رانمیدتراست^۴ در انگلستان اسلام هراسی را به عنوان ترس و نفرت از اسلام و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان تعریف کرد و همچنین بیان داشتند که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشورهای غربی

3 - Roger Fowler

4 - Carl Hausman

5 - Jean Baudrillard

6 - Runnymede Trust

دلالت می کند (Runnymede Trust, 1997). اسلام هیچ ارزش مشترکی با دیگر فرهنگ‌ها ندارد و جایگاه پایین‌تری نسبت به فرهنگ غربی دارد و بیشتر از اینکه یک مذهب باشد، یک ایدئولوژی سیاسی خشونتبار است و خصوصت با آن امری عادی به شمار می‌آید (Islamophobia, 1997: 60) در کتاب‌های مغرب زمین انواع و اقسام ایرادات در مورد خشونت‌طلبی اسلام، توسعه اسلام به‌зор شمشیر، رد و انکار امی بودن وی و خاتمتیت پیامبر (ص) و سرانجام مسئله تعدد همسران پیامبر (ص) مطرح شده است (شیمل، ۱۳۸۳: ۸۷-۸۵). در سال ۲۰۰۱ در مجمع بین‌المللی استکهلم برای مبارزه با عدم تساهل گام‌هایی برای پذیرش رسمی این اصطلاح برداشته شد. اسلام هراسی در کنار بیگانه هراسی و آنتی سمیتیزم (یهودی ستیزی) به عنوان نوعی عدم تساهل پذیرفته شد (فراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسینکی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل معتقد است: هنگامی که جهان مجبور است اصطلاحی برای نشان دادن تعصب و سرسختی در عقیده بیافریند، نشان از تحولی تأسف‌انگیز و دشوار دارد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴). شوارتز⁷ در تعریف اسلام هراسی معتقد است: محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی، انکار اکثریت میانه‌رو مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان، برخورد با تعارضات مربوط به مسلمانان به عنوان اموری که الزاماً حاصل اشتباهاست آنهاست، تأکید بر اینکه مسلمانان در صدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند و اعلام جنگ علیه کلیت اسلام می‌داند (Schwartz, 2006) پینتینگ⁸ و ماسون⁹ نیز اسلام هراسی را به عنوان نژادپرستی بر ضد مسلمانان و استمرار نژادپرستی ضد عرب و ضد آسیایی تعریف می‌کند (Mason, 2007: 61-86).

الیزابت پول¹⁰ معتقد است آنچه در رسانه‌های غربی درباره اسلام مطرح شده منجر به شکل گرفتن ذهنیت منفی از مسلمانان به عنوان تهدیدی جدی برای امنیت و ارزش‌های غربی می‌شود. همچنین که خصوصت در قبال اسلام و ایجاد هراس از اسلام با نحوه به تصویر کشیدن مسلمانان به عنوان انسان‌های برابر، غیرعقلانی و جنسیت گرا پیوند نزدیکی دارد (Poole, 1969: 96). تلاش طولانی اروپا و غرب برای تحقیر مسلمانان و معرفی اسلام به عنوان دینی غیرمنطقی و بدؤی به دنیای غرب بهویژه نسل‌های جدید بوده است و تصویرسازی غرب مبنی بر اینکه اسلام در پی حکومت کردن بر آنان است (کاهه، ۱۳۹۲). مسلمانان مهاجر در اروپا به دلیل تعلق به طبقات پایین جامعه، سطح پایین تحصیلات و خاستگاه سنتی، توانایی کمتری برای انطباق با فرهنگ سرزمین جدید را داشتند. این تصلب فرهنگی باعث به وجود آمدن نوعی پیش‌داوری در میان اروپاییان در خصوص تمامی مسلمانان شد (مرشدی‌زاد، غفاری هشچین، ۱۳۸۶، ۱۲۷). به گفته مالکوم¹¹ و رابرт میلز¹²، پذیرش نسیی مفهوم اسلام هراسی در ذهن شهروندان گرچه به خودی خود نژادپرستی نیست، اما بسیار با نژادپرستی تعامل دارد (Miles & Brown, 2003, 163-164).

مطالعه اولیه غربیان درباره اسلام که توسط کشیشان و دستگاه کلیسا انجام می‌شد. رودنسون¹³ ترس مسیحیان از اسلام به‌طور محسوسی در مطالعات آنها تأثیر می‌گذاشت. آنها برای اثبات باطل بودن دین اسلام برای مسیحیان مطالبه همچون تشکیک در رسالت پیامبر، صحت صدور قرآن، ریشه‌های یهودی و مسیحی دین اسلام و ... مطرح می‌کردند. (الویری، ۱۳۸۱: ۱۸۷). مجموعه پیروزی‌های مسلمین در قرون اولیه مسیحیت را آزرده و بر ضد اسلام بسیج کرد تا از گسترش اسلام جلوگیری کنند. در دوره عثمانی، پایتحت امپراتوری روم و قسمت‌هایی از اروپا بار دیگر در کنترل و حاکمیت مسلمانان درآمد و مسیحیت را بر ضد اسلام شوراند (امینیان، ۱۳۸۹، ۱۳۲۱). از دید نویسنده‌گان غربی قرون وسطی اسلام، مذهبی غیرصادق، متمایل به بت پرستی و نوعی بدعت مسیحی محسوب می‌شد. آنان نه تنها نبوت پیامبر اسلام را انکار کرده و او را ضد مسیح دانسته‌اند، بلکه ضعف‌های اخلاقی زیادی برای دین اسلام و پیامبرش بر شمرده‌اند (مونتگمری وات، ۱۳۷۳: ۱۳۹) سن ژان داماسن، اسلام را ارتدادی از مسیحیت می‌دانست (گارده، ۱۳۵۲: ۴۲۴) بر اثر نگرش ناآگاهانه علمای مسیحی مؤمنان مسیحی اسلام و مسلمانان را دشمن خود تلقی کرده و در حالت بیم و تنفر نسبت به اسلام به سر می‌برندند. ساثرن¹⁴ معتقد است که چهار قرن نخستین تاریخ اسلام را باید عصر نادانی جهان مسیحی نسبت به اسلام دانست زیرا در این مدت اروپاییان چیزی از اسلام نمی‌دانستند. (Southern, 1962: 22). مارسل بوazar¹⁵ می‌نویسد: مسیحیان به‌واسطه ضعف فکری و جهل خود قضاوی درباره اسلام کردند که از نحوه تجزیه و تحلیل آنها از سال‌های پیشین وادیان موجود سرچشمه می‌گرفت. (بوazar، ۱۳۶۲: ۵۵-۵۲).

7 Stephen Lawrence Schwartz

8 - poynting

9 - Mason

10 - Elizabeth Poole

11 - Malcom

12 - Robert Mills

13 - Maxime Rodinson

14 - Southern

15 -Marcel Boisard

دعوت کرده است. مسلمانان معتقدند زن باید بی‌سواند، سپس او را آزار می‌دهند که چرا بی‌سواند است؛ آنها زن را فاسد می‌کنند و سپس او را می‌زنند که چرا فاسد شده‌ای (ثوابت، ۱۳۷۹: ۲۶۰).

قدمت بهره‌گیری دین از رسانه‌های نوظهور، به ۱۹۲۰ بر می‌گردد که «انجليستها» به منظور رساندن پیام کلیسا به درون خانه‌ها، از رسانه صوتی رادیو استفاده کردند (باهنر، ۱۳۸۷: ۱۶۹). طی قرن بیستم، دین و رسانه روزبه روز ارتباط نزدیکتری با یکدیگر برقرار کردند. بخش اعظم آموزه‌ها و تجربه‌های مربوط به مذهب و معنویت، از طریق رسانه‌ها منتقل و دریافت می‌شود (هورو، ۱۳۸۸: ۶۷). روبرت آلیسون^{۱۶} هراس غرب و آمریکا از اسلام را همانند کابوسی می‌داند که آنها از اروپای مسیحی به ارت برده‌اند. براین اساس آمریکایی‌ها دین اسلام را به عنوان دینی سرکوبگر که همواره ظلم سیاسی، مذهبی و رکود اقتصادی را تقویت می‌کند در نظر می‌گیرند که این دین کاملاً با ارزش‌های آزادی و توسعه و پیشرفت آمریکایی در تضاد است. به نظر آلیسون آمریکایی‌ها انبوی از نگرش‌های منفی درباره جهان اسلام دارند که توسط رسانه‌های گروهی تقویت وزنده نگهداشته می‌شوند(Gohnson,Soydan& Williams,1998: 182)؛ گفتمان نژادپرستی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از رنگ پوست به نژاد و از دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بعد تا دهه ۱۹۹۰، از نژاد به مذهب تغییر یافت (Abbas,2007:288). مسلمانان در کشورهای غربی علاوه بر تحمل فشار و حمله لفظی از سوی رسانه‌ها، مواردی از خشونت فیزیکی و خرابکاری و ایجاد حریق در مساجد، قبرستان‌های مسلمانان و املاک آن‌ها نیز در سراسر منطقه اروپا مشاهده شده است؛ همچنین بنا به گزارش سازمان‌های مسلمان و ضد نژادپرستی در ایتالیا و انگلستان بسیاری از حملات علیه مسلمانان هیچ‌گاه به پلیس گزارش نشده‌اند، زیرا قربانیان اعتقاد نداشتند که پلیس به شکلی مؤثر به موضوع آن‌ها بپردازند (IHF,2005: 11-17). احساس رو به گسترش در میان مسلمانان وجود دارد که پلیس، آنها را فقط به سبب مسلمان بودن، توقیف و بازرسی می‌کند و حتی در برخی موارد با گزارش به پلیس مشکلات آنان افزایش هم یافته است (Ameli& Merali,2004: 33). سیاست‌های کنونی ممکن است واکنش‌هایی را برانگیزد و مسلمانان معتدل را به دامن گروههای افراطی بیندازد؛ گروههایی که می‌کوشند از احساس محرومیت موجود در اجتماع مسلمانان، بهره‌برداری کنند (Bennetto,2004). بنا به برخی گزارشها مسلمانان در بخش‌های آموزش، اشتغال، مسکن، قانون و تمام خدمات دولتی با تبعیض‌های فراوان روبرو هستند و حتی به دولتمردان توصیه شده بود قوانین جدیدی برای رفع تبعیض علیه مسلمانان تصویب کنند (Weller, Feldman, purdam, 2001: 103). نماینده حزب ملی بریتانیا در جایی عنوان می‌کند که مشکل ما آسیایی‌ها نیستند، مشکل ما مسلمانان هستند (Fetzer,2005:29) وی در اظهارات خود، آشکارا دین اسلام را دینی شرور و نابکار خطاب می‌کند (Ameli,2007:91) و این در تضاد با توصیه‌هایی بود که با آنان داده شده بود. همچنین در راستای این سیاست‌ها در کتابچه‌ای که این حزب در اوخر سال ۲۰۰۱ تا اواسط ۲۰۰۲ منتشر کرد، دین اسلام متراffد با نابرایری، کشتار، غارتگری، سوزانند و آزاردهنده زنان معرفی شده بود (Allen,2006:81). صفت اسلامی، اغلب به‌وسیله خبرنگاران برای توصیف فعالیت‌های محرومانه ترویست‌ها به نحوی استفاده می‌شود که در اشاره به اقدامات مشابه که توسط پیروان دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیان و یهودیان انجام می‌شود، تصور پذیر است (کریم، ۱۳۸۳: ۸۱).

۱۱ سپتامبر و روابط اسلام و غرب

پس از ۱۱ سپتامبر، اسلام و مسلمانان نقش دیگری و دشمن را در تقویت و تثبیت هویت غربی پیدا کرده‌اند. ترسیم مسلمانان به عنوان دشمن، روایت خاصی از اسلام ارائه می‌دهد که آن را متراffد دینی منزوی، متوجه، انعطاف‌ناپذیر و تبعیض‌آمیز معرفی می‌کند که پیروانی مناسب همین اوصاف تربیت می‌کند. این روایت در سطح گسترده‌ای از جوامع غربی، پذیرفته شده و واکنش‌های خصم‌هایی در این جوامع ضد اسلام و مسلمانان ایجاد کرده است (بیچرانلو، ۱۳۸۹: ۲۲). این واقعی را می‌توان نقطه عطفی در افزایش رویارویی میان جهان اسلام و غرب دانست. یک برداشت که پس از حادث ۱۱ سپتامبر به شکل دیگری از اسلام هراسی درآمده این است: اسلام موج ترویسم است (Miles& Brown,2003:166) این نحوه برداشت خصوصت‌آمیز در قبال اسلام با «تحووه به تصویر کشیدن مسلمانان در این رسانه‌ها به عنوان بربر، غیرعقلانی و جنسیت گرا» پیوند نزدیکی دارد (Benn&Jawad,2004) پس از وقوع حادثه، آمریکا با بهره‌برداری تبلیغاتی و سیاسی فراوان از آن، در چند مرحله توانست جنگ تبلیغاتی تمام‌عیاری را علیه جهان اسلام سازماندهی نماید و سپس با حمله به دو کشور افغانستان و عراق، به این رویارویی جنبه عینی ببخشید. برای آماده‌سازی شرایط و زمینه‌های داخلی بر اساس پیگیری اهداف جهانی خود، در تصاویر و فیلم‌های دهشت‌ناکی که غول‌های رسانه‌ای آمریکا و غرب از حملات القاعده علیه دو شهر نیویورک و واشنگتن در سراسر دنیا منتشر کردند، سعی نمودند در آنها عمق و وسعت حملات و درعین حال بہت و حیرت و احساس خشم و شوک مردم و دولت آمریکا را

منعکس نمایند. دولتمردان نومحافظه کار آمریکا سعی کردند: احساس ترس، خشم، غم و رنج ناشی از این اقدام را برای مدت‌های طولانی در میان مردم آمریکا زنده نگهداشند و به همین منظور گزارش‌های تلویزیونی صحنه‌های حملات، انفجارها و ویرانی‌های ۱۱ سپتامبر را بدون وقfe و با اصرار فراوان به درون خانه‌های آمریکاییان و سایر مناطق جهان ارسال می‌کردند تا ضمن بزرگنمایی آن، احساس مداومی از عصبانیت، احساس آسیب‌پذیری و مورد تجاوز واقع شدن و تمایل به انتقام و مجازات نامحدود را به همراه ترجیع بندی از میهن‌پرستی در میان آمریکائیان شعله‌ور سازند (بروجردی، ۱۳۸۷: ۱۸۶). هانتینگتون^{۱۰} یک متن توضیحی در مورد انواع جدیدی از درگیری‌ها در جهان، مزبندی‌های جدید، جنگ‌ها و روابط میان ملت‌ها و فرهنگ‌های ایشان نوشته است. به عقیده وی بزرگ‌ترین تهدیدها و چالش‌ها را در آینده، متوجه تمدن مسیحی غرب خواهند کرد (امینیان، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

دولت آمریکا چند ساعت پس از وقوع، این حمله را «بن‌لادن» که در غاری دورافتاده در افغانستان نشسته و به دستور وی ۱۹ عرب، چهار هوایی تجاری را برای حمله به چند مرکز مهم آمریکا ریودند، نسبت داد (بنگاش، ۱۳۸۹: ۱۴۸). اگرچه این حملات، آن طور که ظاهراً اثبات شده است، از جانب یک گروه کوچک از مسلمانان افراطی انجام‌گرفته است، اما غرب سعی کرد آن را به کل مسلمانان نسبت دهد و جنگ موردیحث را به جنگ میان اسلام و غرب تبدیل کند. در همین راستا آمریکا کوشید با یارگیری از میان سایر کشورهای غربی تحت عنوان «متحدین» خود، که یک جنگ تمام‌عیار علیه جهان اسلام به راه اندازد و ایده‌ی برخورد تمدن‌ها را به شکل عینی پیاده نماید و مبارزه‌ی وسیعی را علیه اسلام و اسلام‌گرایی آغاز کند (cf, mascal, 2004). بنا به گفته سازمان‌های مسلمان و ضد نژادپرستی در ایتالیا، انگلستان و دیگر کشورها، بسیاری از حملات علیه مسلمانان هیچ‌گاه به پلیس گزارش نشده‌اند؛ زیرا قربانیان اعتماد نداشتند که پلیس به شکلی مؤثر به موضوع آن‌ها پردازد (IHF, 2005: 11-17). اسلام هراسی در برخی از کشورها مانند بریتانیا ادعایی مبتنی بر تنوری توطنی نیست، با توجه به رشد فزاینده و آشکار آن پس از یازده سپتامبر برمی‌گردد (Marranci, 2004: 105).

نقش رسانه‌های غربی در اسلام هراسی

آلوبن تافلر درباره نقش رسانه‌ها در فرایند عملیات روانی در آینده معتقد است که وسائل ارتباطی عرصه نبرد آینده را می‌سازند که از گلوله‌های سلاح‌های جنگی بسیار مرگبارترند (شکرخواه، ۱۳۸۲: ۸۵). رسانه‌ها نه تنها در گسترش و انتقال اخبار و اطلاعات در جامعه نقش دارند، بلکه در شکل‌دهی و اثرگذاری بر افکار عمومی و ارائه واقعیت‌ها به اشکال خاص، نقش بسزایی ایفا می‌کنند (Gurevitchetal, 1995: 78).

اگواروا و تئودور نیز به نقل از برخی محققان اروپایی چنین ابراز می‌دارند که اصلاحات به کار رفته در رسانه‌ها، مانند «تپوریسم اسلامی»، «بمب‌های اسلامی» و «اسلام خشن» باعث برداشتی منفی در قبال اسلام شده است (Egorova&Tudor, 2003: 2-3) دولت‌ها، سیاستمداران و دستگاه‌های تبلیغاتی غربی، برای دستیاری به اهداف خود از ابزارها و شیوه‌های متنوع تبلیغی، بهره می‌گیرند. وسائل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، سینما و اینترنت) اینک از مهم‌ترین لوازم زندگی بشر به شمار می‌آیند. آنها اکنون به یمن پیشرفت‌های شگرف فناورانه، بدون هیچ مانع و محدودیتی، وجود دارند. (هورو و لاندبای، ۱۳۸۵: ۴۷). رسانه‌ها با استفاده از منابع مالی قابل ملاحظه و شبکه‌های متنوع در تلاش اند که تصویری نامناسب از اسلام به افکار عمومی ارائه دهند. غرب بر اساس تجربه‌های جنگ‌های جهانی و دوران جنگ سرد، دارای توان بسیار حرفة‌ای در راه تبلیغات و انتقال پیام‌های مورد نظرش شده است و این چیزی است که مسلمانان از آن بی بهره اند (درخشش و حسینی فائق، ۱۳۸۹: ۳۴). پوشش اخبار مربوط به مسلمانان در این سال‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. روند افزایشی از سال ۲۰۰۰ به بعد آغاز می‌شود و در سال ۲۰۰۶ به اوج خود میرسد و در ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در این حد اوج باقی می‌ماند (همان، ۱۳۸۹: ۳۵). چند علت اصلی برای افزایش اخبار مربوط به مسلمانان نشان می‌دهد: اول، در این بازه زمانی شاهد روز افرون حوادث تپوریستی هستیم که ارتباط افراطگرایان مسلمان با این حوادث تپوریستی، منجر به افزایش مطالعه مرتبط با مسلمان شده است؛ دوم، این اخبار اصالتاً دارای ارزش خبری هستند و به طور خواسته یا ناخواسته در مورد مسلمانان صحبت به میان می‌آید؛ دلیل سوم، به نظر می‌رسد جریان‌هایی بهصورت سازمان یافته دارند (Marranci, 2004: 197).

مرکز اروپایی نظارت بر راسیسم و بیگانه‌ستیزی^{۱۸} در گزارشی به این نکته اذعان می‌کند که رسانه‌های غربی به ایجاد ترس از اسلام و قضاوت پیش داورانه در مورد آن دامن زده و این فرایند را تشدید می‌کند. این مرکز برآن است که رادیوها، تلویزیون‌ها و مطبوعات غربی تنها در اوائل ایجاد تنش میان اسلام و غرب می‌کوشیدند که یک گفت‌وگوی راهگشا و اکنون مسیر دیگری را در پیش گرفته‌اند. ادوارد سعید در مقدمه کتاب «اسلام رسانه‌ها» به بررسی تحولات بعد از فروپاشی شوروی پرداخته است. وی سیمای جهان اسلام در رسانه‌های غربی در دوران پس از جنگ سرد را یک قلمرو یکپارچه و متحد، با چهره‌ای منفی و خشونت زا که برای منافع غرب خطر دارد معرفی می‌کند (سعید، ۱۳۷۹: ۱۴). برنارد لوئیس یکی از عوامل عقب ماندگی جهان اسلام را موافع اجتماعی و فرهنگی می‌داند که از جمله این موافع، نگرش منفی و تبعیض علیه زنان در جوامع اسلامی است. لوئیس تبعیض علیه زنان را نه محصول وضعیت سیاسی - اجتماعی بلکه به دین اسلام نسبت می‌دهد (لوئیس، ۱۳۸۴: ۹۸-۱۰۲) لوئیس می‌کوشد که مسلمان را یک آدم و حشتناک گروهی نشان دهد که اغلب آرامش بدی و احکام ناتوان از چالشگری‌های او با این دنیای مدرن به هم می‌ریزد و در نتیجه خشمگین است (سعید، ۱۳۷۸: ۳۱). ذا خاری کرابل^{۱۹} معتقد است: پس از جنگ سرد رسانه‌های همگانی از تصویرهای منفی در مورد اسلام پرشده است، اگر از دانشجویان آمریکایی درباره یک «مسلمان» بپرسید پاسخ به نحو گریز ناپذیری بکسان است. تفنگ به دست، ریشوی عقب مانده‌ای که در صدد است دشمن را تا درک اسفل برای نابودی تعقیب کند. کرابل به برنامه‌ای اشاره می‌کند که در بخش‌هایی از آن اسلام به عنوان دین مجاهدین ادر مفهوم صلیبی آن [معروفی شده و نیروهای آن رزم‌نده‌گان راه خدا و اتمود شده‌اند و اصولاً در برنامه‌های رسانه‌ای، اسلام دین تروریستی (خشم مقدس)، خودستیر، خطرناک، شیطانی و به طور خلاصه یک چهره منفی معرفی می‌شود. بر اثر همین برجسته‌سازی رسانه‌ای چهره مسلمان در نگرش مردم غرب زمین نیز منفی است. برای بسیاری از مردم در غرب، اسلام به صورت یکپارچه با عنوان دارالاسلام، یعنی امت متحد اسلام و سایر مناطق جهان با عنوان دارالحرب معرفی می‌شود؛ به این معنا که اسلام با هر چیز بیرون از اسلام در جنگ است. به گفته ادوارد سعید، شرق شناسان ضد و نقیض گو در آمریکا، انگلیس با هیاهو معتقدند اسلام همه چیز را از صدر تا ذیل ردیف کرده و دارالاسلام یک موجودیت یکپارچه است، در حالی که این نوع تعمیم نه تنها در مورد اسلام بلکه در مورد هیچ مذهب یا گروه فرهنگی قابل پذیرش نیست (سعید، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۵). شمایلی که از اسلام در رسانه‌های غربی، از رمان‌های جدید و مدعی نقادی تا کتابهای درس تاریخ مدارس و سریال‌ها، فیلم‌ها و کارتون‌های تلویزیونی، ترسیم می‌شود همان نگرش قدیمی به اسلام است. «مکرراً کاریکاتور مسلمانان به صورت‌های تولید کنندگان نفت، افرادی تروریست و بیشتر در این اواخر، جمعیت‌های تشنۀ خون» معرفی می‌شوند. سعید می‌نویسد که: «چنانچه بگوییم مسلمانان و اعراب اساساً تنها به صورت تأمین کنندگان نفت یا تروریست‌های بالقوه مورد پوشش، بحث و درک قرار می‌گیرند، سخنی چندان به مبالغه نگفته‌ایم» (سعید، ۱۳۷۸: ۴۶).

۱. رسانه‌های غربی و تصویرسازی از تروریسم اسلامی

نگاه مثبت و منفی به مسلمانان بر طبق پژوهش‌های انجام شده، به میزان چشمگیری متأثر از «اطلاعات درباره اسلام» و «تماس مستقیم با مسلمانان» است؛ هرچه ارتباط و نزدیکی با مسلمانان بیشتر باشد، میزان پیش دارویی، تبعیض و مخالفت درباره آنان کمتر است و بر عکس (Field, 2007: 465). بعد از انفجار ساختمان فدرال در اکلاهماستی روزنامه انگلیسی «تودی» تصویر یک مأمور آتشنشانی را نشان می‌داد که کودکی خون آلود در کالسکه می‌برد و در زیر عکس نیز این عنوان به چشم می‌خورد «به نام اسلام» (سعید، ۱۳۷۹: ۲۵). بن^{۲۰} معتقد است که دشمنی و خصوصیت ضداسلام در پیوند نزدیک با تصاویری از مسلمانان است که در رسانه‌ها به نمایش در می‌آید و در آن مسلمانان وحشی، بدی، غیرمتمدن و بی فرهنگ معرفی می‌شوند (Benn, and Jawad 2004: 1). سلام المرایتی^{۲۱} در این باره می‌نویسد: امروزه رسانه‌ها در غرب به گونه‌ای عمل می‌کنند که هرگاه بحث و قایع خشونت‌بار تروریستی به میان می‌آید، بی درگ مسلمانان در معرض اتهام قرار می‌گیرند و آن را به گونه‌ای به اسلام و مسلمانان نسبت می‌دهند. استیون ورتون^{۲۲} درباره رویکرد رسانه‌ها نسبت به اسلام می‌گوید: «از پایان دهه ۱۹۷۰، مسلمانان همواره در عملیات خرابکارانه و تروریستی در نقاط مختلف جهان، به عنوان یک گروه هدف قرار گرفته‌اند» (ورتون، ۱۳۸۰: ۳۴). اکثر نظر سنجیهای اخیر در جوامع غربی نشان می‌دهد که مردم غرب دین اسلام را دومین خطر بعد از کمونیسم می‌دانند. به عنوان مثال ۸۰ درصد مردم انگلیس چنین اعتقادی داشته‌اند (بهرام پور، ۱۳۸۰: ۶۷). تیتر روزنامه ایتالیایی "گوریره دلسرای"^{۲۳} در ۱۹۹۱ با عنوان «ترس باز شدن جبهه دومی در میان جهان مسلمان، به نام جهاد اسلامی». به عنوانی چون «خطر تروریسم،

18 - EUMC

19 - Zakhary Krabl

20 - Benn

21 - Salam Al-Marayati

22 - Steven Vertovec

23 Corriere della Sera

وضعیت قرمز!»، «نقشه‌ای برای جبهه داخلی» و یا «اعلام خطر! تروریسم گسترش می‌یابد» پرداخت. ایده «تروریست عرب مسلمان»، مدام تولید می‌شد؛ زیرا از آن دسته اخباری بود که مردم دوست داشتند بشنوند و در ضمن، افکار عمومی را علیه اعراب مهاجر، تقویت می‌کرد (ونکی فراهانی، ۱۳۸۴: ۶۶). شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی تحت نظارت حکومت فدرال وزارت دفاع درآمده اند. به عنوان مثال شرکت RCA که مالک شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی NCB می‌باشد پیمانکار عمدۀ پنتاگون می‌باشد (فتوره چی، ۱۳۸۷: ۶۷۱). کی حافظ، اسلام‌شناس معتقد است: شبکه‌های تلویزیونی ZDF و ARD آلمان در برنامه‌های مربوط به اسلام شکل ساده شده‌ای از جنگ فرهنگ‌ها را مبنای کار خود قرار داده و با برنامه‌هایشان ترس از اسلام را تشدید می‌کنند. عقایدی این گونه همگن به ما می‌گویند که با پدیده غیر قابل اختلافی روبرو هستیم؛ یکسان‌سازی غیرمجاز رفتار همه مسلمانان و یک کاسه کردن جنبه‌های مثبت و منفی عملکرد همه گروه‌های اسلامی، مواجهه غیرعلمی با اسلام در این رسانه‌ها زمانی به اوج خود می‌رسد که رادیو و تلویزیون و حتی روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مختلف با تمرکز بر وضعیت فرهنگی ناطلوب مهاجران مسلمان در جوامع اروپایی، می‌کوشند اسلام را به عنوان دلیل عدم تطابق مسلمانان با جامعه میزبان معرفی کنند. حتی بعضی رسانه‌ها همانند مجله دوگل فرانسه در جهت ایجاد هراس از مسلمانان و به حاشیه راندن آنان خطاب به اروپاییان می‌نویسند اسلام و مسلمانان همچون غول خوابیده است که باید مواطن بیدار شدن آن باشیم. (تسخیری، ۱۳۸۵: ۲۲).

۲. تصویر اسلام در رسانه‌های عمومی

نیل پستمن^{۲۴} معتقد است جهان امروز جهان تصویر است و تلویزیون به منزله یک رسانهٔ دیداری و شنیداری، زندگی انسانها را تسخیر کرده است. وی سه دوره برای انتقال معلومات ذکر می‌کند: دوره اول، انتقال معلومات به وسیله زبان است. دوره دوم، کتابت و نوشتمن است. در این دوره، کتاب حافظ و حامل معنا برای نسل بعدی است. سومین دوره، دوره تصویر است که تصویر سینمایی و تلویزیونی جای دو موج قبلی نشسته است. او این دوره را مربوط به عصر جدید می‌داند. از نگاه وی، یک ثانیه تصویر به اندازه هزار حرف تأثیرگذار است (پستمن، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۵). تصویر جایگاه ویژه‌ای در دستگاه ادراکی و روانی انسان دارد (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۳۷۴-۳۶۹). اگر پنج حس خود را به مثابه پنج دروازه ورودی روحانی تلقی کنیم، خواهیم دید که در نتیجه ارتباط با محیط اطراف و پدیده‌های پیرامونی، در هر شباهه روز، بیش از سه چهارم اطلاعات دریافتی از طریق حس بینایی، یعنی تصویر، به حوزه ادراکی ما وارد می‌شود و این همان نقطهٔ کانونی اثربخشی سینماست (دفلور و دن یس، ۱۳۸۳: ۶۴۰) با پایان یافتن جنگ سرد رسانه‌های غربی، بتویژه سینمای هالیوود، برای پر کردن خلاً بیگانه هراسی که همواره یکی از اهرم‌های ایدئولوژیک برای ایجاد هراس در جهان اسلام و سایر کشورهای وابسته و اتحاد و یکپارچگی در میان کشورهای غربی استعمارگر بوده است خطر اسلام را به عنوان یک قدرت نوظهور، جایگزین خطر کمونیسم کردن. جان گالیون، فرمانده نیروهای، ناتو می‌گوید: «ما جنگ سرد را از روسیه کمونیست بردهیم، حال میتوانیم پس از یک کجروی هفتاد ساله، به نبرد واقعی خود که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم (یزدی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۹) برخی اقدامات جوامع غربی که منجر به برداشت منفی مسلمانان از جوامع غربی و سیاست هایشان شده و به دشمنی دولطه دامن زده می‌زنند. فیلم‌های هالیوودی و تصویر منفی که از اسلام نشان می‌دهند موجب منزجر شدن مسلمانان از غربی‌ها شده و می‌شود(خسروی دهقی، ۱۳۹۲). در مورد چگونگی تصویر اسلام در رسانه‌ها پژوهشی تحت عنوان «چهره خشن و تضادگرای اسلام در شبکه‌های تلویزیونی ZDF و ARD آلمان» به مدیریت کی حافظ در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج جالب توجه این تحقیق در ۸۱ درصد از برنامه‌ها نام اسلام بحث آتی که به طور مستقیم یا ضمنی دارای مفهوم منفی هستند ارتباط داده شده است. به عنوان مثال در ۲۳.۳۱ درصد از برنامه‌ها نام اسلام در کنار مقولاتی چون تروریسم و افراط گرایی قرار گرفته است. در ۱۶.۵٪ درصد از برناهه‌ها نام اسلام در جنب مسائلی مثل تضاد و کشمکش بین‌المللی مطرح شده است. در ۹.۷۷ درصد از برنامه‌ها بحث از اسلام همزمان با بحث سرکوب زنان و تبعیض علیه آنان موردن توجه قرار گرفته است. آرزو مرالی^{۲۵} شده و در ۴.۵۱ درصد از برنامه‌ها بحث از اسلام هم زمان با بحث سرکوب زنان و تبعیض علیه آنان موردن توجه قرار گرفته است. معتقد است: در این‌گونه فیلم‌ها چیزی به اسم یک شخصیت خوب مسلمان وجود ندارد. مرالی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز گفت: سینما چه در هالیوود و چه در انگلستان، همواره در جهت ارائه چهره‌ای پلید و شیطانی از مسلمانان گام برداشته است. این رسانه‌ها، مسلمانان را افرادی وحشی و عقب‌مانده معرفی می‌کنند و همواره برخی احساسات نژادپرستانه و تعصّب‌آمیز را ترویج می‌کنند که این مسئله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر شدت یافته و همواره در فیلم‌های غربی و هالیوود همواره شاهد ستیزه با مسلمانان هستیم، هالیوود، سمبل فیلم‌هایی است که به رواج عقایدی چون صرفاً خالق بودن خداوند؛ استثمار و ظلم بر بشر توسط خداوند؛ بهشت زمینی؛ تکیه دادن انسان بر نیروی خود و نیروی جادوی شیطانی و ایجاد منجی‌ها و موعده‌های کاملاً زمینی و انسانی است باید در نظر داشت. (علی پور، ۱۳۹۲).

یهودیان طرفدار اسرائیل بسیاری از مراکز مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در جهان غرب را در اختیار دارند که به صورت گسترده‌ای از این ابزار رسانه‌ای در جهت گسترش فضای اسلام هراسی از آن استفاده می‌کنند؛ به عنوان مثال سه روزنامه بزرگ و معتبر آمریکا یعنی نیویورک تایمز، واشنگتن پست و وال استریت ژورنال توسط سه یهودی به نامهای آدولف اوچ^{۲۶}، یورگن مایر^{۲۷}، هنری فیلیپس^{۲۸} خردباری شده است از طرف دیگر در جهان غرب پنج شبکه ABC, CNN, CBS, NBC, FAX NEWS بیشترین حجم تهیه و پخش اخبار ملی و بین‌المللی را بر عهده دارند که اکثرآ یهودی هستند به عنوان مثال لئونارد کل دنسون رئیس هیات مدیره ان بی سی، ریچارد سالانت نایب رئیس ان بی سی، ریون فرانک مشاور ارشد سی بی اس همگی یهودی می‌باشند (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۴). البته واضح است که این رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در جهت تحریک افکار عمومی غربیان در راستای هژمونیک کردن اسلام هراسی ایفا می‌کنند، به عنوان مثال بنا بر آماری که در اکتبر ۲۰۰۳ صورت گرفته است شصت و شش درصد از خبرهای این شبکه‌ها بزرگ در راستای سیاستهای بوش و طرفداری از مبارزه با گروههای تروریست اسلام گرا بوده است و تنها سه درصد میهمانان شرکت کننده در این شبکه‌ها جزء منتقدین سیاستهای بوش بوده اند (رهنورد، ۱۳۸۵: ۹۱۴). بخشی از اقدامات غرب استفاده از نمادهای اسلامی جهت ارائه تصویرهای تیره از اسلام در قالب خشونت و افراط‌گرایی است. پخش اذان، قرآن، دعا، نواها و آهنگهای اسلامی در کنار تصویر و صدای خاص، به ویژه موسیقیهای دلهزآور، نوعی تداعی منفی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. معرفی مساجد به عنوان کانون فتنه، خشونت و ترور، در خصوص مکانهای قدسی و معابد مسلمانان نیز اعمال شده است. غرب عمدتاً با محوریت رسانه، در تصویرسازی خود، مسلمانان را بدون استثنای در زمرة تروریستهای بالقوه یا بنیادگرایان معرفی می‌کند (شرف‌الدین، ۱۳۹۲، ۱۱۶-۱۲۰).

۳. تصویر مسلمانان در هالیوود

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ و تکقطبی شدن جهان و پایان یافتن صوری جنگ سرد رسانه‌های غربی، به ویژه سینمای هالیوود، برای پر کردن خلا بیگانه هراسی که همواره یکی از اهرمهای ایدئولوژیک برای ایجاد هراس در جهان اسلام و سایر کشورهای ولایتیه و اتحاد و یکپارچگی در میان کشورهای غربی استعمارگر بوده است خطر اسلام را به عنوان یک قدرت نوظهور، جایگزین خطر کمونیسم کردند. جان گالیون، از فرمانده ناتو می‌گوید: ما جنگ سرد را از روییه کمونیست بردمیم، حال می‌توانیم پس از یک کج روی هفتاد ساله، به نبرد واقعی خود که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم (بزدی‌بنزاد، ۱۳۸۷: ۹). تصویری که در غرب از اسلام ارائه می‌شود همواره تصویری خشن و منفی بوده است. بازتاب این تضاد فرهنگی در فیلم‌ها و رسانه‌های غربی کاملاً مشخص می‌باشد. به عنوان نمونه فیلم‌هایی که در هالیوود در اواخر قرن بیستم تولید شده است مسلمانان را غالباً در کنار تصاویر و نمادهای خشن تداعی می‌کند.

تصاویر مخدوش از اسلام و مسلمانان توسط هالیوود پس از حادثه ۱۱ سپتامبر افزایش یافته است؛ صنعت فیلمسازی غرب به واسطه یهودیان اداره می‌شود. نیل گبلر^{۲۹} در کتاب خود نشان میدهد که بزرگترین استودیوهای هالیوود از جمله کلمبیا، مترو گلدوین مایر، برادران وارنر، پارامونت، یونیورسال و فاکس قرن بیستم توسط یهودیان تأسیس و به واسطه یهودیان اروپای شرقی اداره می‌شوند. زمانی که فیلمهای ناطق پا به عرصه ظهور گذاشتند، هالیوود مورد تاخت و تاز نویسندهای بیرونی قرار گرفت. درگذشته مستعدترین آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا توسط یهودیان اداره می‌شند و نفوذ این قوم در اصنافی چون وکالت و پزشکی بسیار پررنگ بود؛ اما با تأسیس صنعت فیلمسازی غرب همگی به سمت هالیوود گسیل شدند (گبلر، ۱۳۹۱: ۷۲-۶۰). کانتور^{۳۰} به این نکته اشاره می‌کند که تولید فیلم در هالیوود و توزیع آن در ۵۰ سال نخست حیات هالیوود، تحت سلطه یهودیان مهاجر صورت می‌گرفته است و در حال حاضر نیز قسمت اعظم فیلمسازی در آمریکا تحت کنترل یهودیان است. جدیدترین وجه این بحث را می‌توان در قالب تأسیس استودیو دیسنی در دهه نود مشاهده کرد که مدیران آن همگی یهودی هستند (WWW.yetnews.com). گولدبرگ^{۳۱} معتقد است: «سهم یهودیان در صنعت سرگرمی‌سازی بیش از جمعیت آنها در آمریکاست. یهودیان در پستهای مدیریتی رسانه‌ها به ویژه در سمت مدیریت استودیوها حضور دارند و حضور آنها به گونه‌ای است که از آن نمی‌توان تنها به عنوان سلطه یهودیان بر هالیوود یاد کرد، چرا که بیش از این است» (توكلیان، ۱۳۸۷). درصد از فیلم‌های مطرح هالیوود توسط یهودیان تولید شده‌اند. بی‌تردید نفوذ این قوم در یکی از تاثیرگذارترین صنایع آمریکا می‌تواند برای آنها قدرت سیاسی بسیاری به ارمغان آورد. آنها مهمترین منبع حمایت از نامزدهای دموکرات هستند و سیاست‌های آمریکا را به سمت و سوی موردنظر خود هدایت

26 - Adolf Avchz

27 - Jürgen Mayer

28 - Varyn Henry Phillips

29 - Neal Gabler

30- Norman F. Cantor

31 - Jonathan Goldberg

می‌کنند (حق وردی، ۱۳۸۵: ۳۸). با روی کار آمدن یهودیان رفته تصویر مسلمانان در فیلم‌های هالیوودی به پنداره‌ای از افراد ظالم و بی‌فرهنگ تبدیل شد که این امر بیش از پیش نمایانگر حمایت هالیوود از اسرائیل و موضع گیری آن علیه مسلمانان و جهان اسلام بود. جین فوندا^{۳۲} معتقد است: اگر ما نسبت به اعراب هراسی نداریم بهتر است که در مورد سلامت مغزمان تردید کنیم. عرب‌ها قدرت استراتژیک بر ما دارند. آنها کوچکترین ثباتی ندارند و ضد زن، ضد آزادی بیان و افراط گرا هستند. هالیوود برای نیل به این هدف در طول چند دهه گذشته اقدام به ساخت فیلم‌های گوناگونی کرده که دربرگیرنده قهرمان‌ها و ضد قهرمان‌ها بوده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در این آثار قهرمان‌ها یهودیان اسرائیلی و ضد قهرمان‌ها مسلمانان بوده‌اند. دهه ۱۹۶۰ به تنها بی‌شاهد ساخت نه فیلم ضد اسلام بود که در زمرة آثار مطرح سینمای آمریکا جای داشتند. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به فیلم «خروج» که در سال ۱۹۶۰ تولید شد، اشاره نمود. این اثر شرح حال مرد عربی را روایت می‌کند که یک دختر پانزده ساله یهودی را به قتل می‌رساند. در فیلم «به دنبال سایه غول» محصول سال ۱۹۶۶ اعراب را به عنوان انسان‌هایی معرفی می‌کند که به هنگام شلیک به یک زن اسرائیلی و قتل وی خنده سر می‌دهند و شادی می‌کنند. همچنین فیلم «شبکه» محصول سال ۱۹۷۶ دربرگیرنده نمائی است که در آن اخبارگو از اعراب به عنوان افراط گرایان قدیمی یاد می‌کند که رفته رفته کنترل آمریکا را در دست می‌گیرند. فیلم «یکشنبه سیاه» محصول سال ۱۹۷۷ از جمله فیلم‌هایی است که در آن اسرائیلی‌ها نقش قهرمان را بازی می‌کنند و اعراب نقش ضد قهرمان‌ها و تروریست‌ها را بر عهده دارند. در این میان فیلم «دلتا فورس» محصول سال ۱۹۸۶ از مسلمانان به عنوان تروریست‌هایی یاد می‌کند که در صدد قتل رئیس جمهور آمریکا برمی‌آیند. هالیوود در فیلم‌های «عقاب آهنی» و «مرگ پیش از رسایی» به مخاطبان نشان می‌دهد که چگونه باید با مسلمانان رفتار کنند و از اعراب به عنوان افرادی کثیف و بی‌ارزش یاد می‌کند. صنعت فیلمسازی غرب در سال ۱۹۹۴ فیلم «دروغ‌های حقیقی» را روانه سالن‌های سینما کرد. این فیلم شرح حال ماموری است که باید از اقدامات تروریستی یک مرد عرب جلوگیری به عمل بیاورد. (حق وردی، ۱۳۸۵: ۴۶) فیلم «بابل» دیگر فیلم ضداسلامی سینمای امسال آمریکا، داستان توریستی آمریکایی است که به خاطر شیطنت دو کودک مسلمان و بازیگوش و بازیگوش و بازی آنها با اسلحه زخمی شده و مجبور می‌شود تا یک نصفه روز را در یک دهکده دور افتاده مسلمان نشین به همراه همسرش، در اوضاعی بسیار ملالت‌بار و بدون دسترسی به هر گونه ابزار درمانی سپری کند.

هالیوود همواره در فیلم‌های خود، از «ایندیانا جونز» به کارگردانی «استیون اسپیلبرگ» گرفته تا کارتون جذاب «علاءالدین» سعی کرده تا با معرفی مسلمانان در چهارچوب شخصیت‌های منفی، بر تصورات منفی و سوء تفاهم‌هایی که در ارتباط با مسلمانان وجود دارد بیش از پیش دامن زند. در فیلم «پرواز شماره ۹۳»، پروازی با نام «یونایتد»، در ۱۱ سپتامبر، توسط عده‌ای از جوانان مسلمان به قصد منهدم نمودن کاخ سفید دزیده می‌شود ولی با تلاش مسافران، قبل از رسیدن به مقصد، در میانه راه سقوط می‌نماید (احمد، ۱۳۸۰: ۸۸). در فیلم دروغ‌های حقیقی (True Lies) گروهی مسلمان تحت تشكیلی با نام «جهاد سرخ» (که یادآور معنای شهادت است) و به سرکردگی شخصی به نام «سلیم ابو عزیز»، قصد انفجار بمی را در آمریکا دارند. جالب است که این گروه، پرچم آمریکا را بر روی بمب، پهنه می‌کنند که هدف عملیات آن‌ها را مشخص می‌نماید. همچنین گفتگوهای عربی، چهره‌های کاملاً شرقی، بستن چفیه بر سر و استفاده از عبارت «عملیات انتحراری»، از جمله نمادهایی هستند که مسلمان بودن تروریست‌ها را برای بیننده مشخص می‌کند (ویکی پدیا). در فیلم «مردی که فدا را دید» یا پیشگویی‌های نوسترآداموس، شخصی که جنگ نهایی میان خیر و شر را به وجود می‌آورد و دنیا را مورد تجاوز قرار می‌دهد کسی نیست جز منجی مسلمانان که از شهر پیامبر اسلام (ص) ظهور کرده‌است (فصلنامه انتظار، ۱۳۹۳). در فیلم «یونایتد» به سرنوشت چهارمین هواپیمایی که قرار بود توسط تروریست‌های مسلمان به کاخ سفید برخورد کند، پرداخته می‌شود. در سکانس اولیه این فیلم، شخصی را می‌بینیم که در حال خواندن قرآن و شخص دیگری، در حال انجام غسل است. درواقع، آنان برای یک عمل تروریستی، مهیا می‌شوند. پس از آماده شدن افراد، در حالی که فضای شهر از بالا نشان داده می‌شود، آیات جهاد از قرآن کریم تلاوت می‌گردد. در قسمتی دیگر از فیلم، تروریست‌ها با فریاد «الله اکبر» و «لا الله الا الله» به مسافرین هواپیما بورش برده و پس از زد و خورد، کنترل هواپیما را در دست می‌گیرند. بستن سربندهای قرمز، گفتن ذکر دعا به زبان عربی، بریدن گلوی یک زن با گفتن ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» و مواردی دیگر، از جمله مسائلی است که در جهت تخریب چهره مسلمانان و تروریست نشان دادن آن‌ها، در این فیلم به کار رفته‌است (ماهnamه امان، ۱۳۸۶). در فیلم «محاصره» که در آن مسلمانان، عرب‌ها، فلسطینیان افرادی بسیار خشن و وحشی معرفی می‌شوند که برای رسیدن به مقصد خود حتی برای جان خود ارزش قائل نیستند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷). در برخی از فیلم‌های هالیوودی سعی شده است تا مسلمانان همواره با عناوین دارای بار منفی، همچون بنیادگرایی، افراطی، تروریست و خشونت گرا معرفی شوند و نو اهای اسلامی با صحنه‌های خشن و غیرانسانی همراه گردد تا فرایند شرطی شدن ذهن مخاطب بر اساس تداعی و تقارن آنها با یکدیگر صورت پذیرد. استفاده تروریستها از اذکار اسلامی در هنگام انجام عملیات تروریستی توسط سازندگان این فیلم‌هاست «الله اکبر» بیشترین ذکری است که در چنین مواردی تکرار می‌شود، بهطور طبیعی، مخاطب هنگام شنیدن اذان که بانگ مسلمانی است، حالت تنفس و انججار و گاه ترس خود را تحت تأثیر تداعی

دریافت‌های قبلی، ابراز میکند (شرف‌الدین، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۲۰). مهم‌ترین قواعد تداعی معانی که سینمای هالیوود در ترویج فرهنگ اسلام هراسی از آن استفاده، می‌کند را می‌توان اینگونه عنوان کرد:

۱. مجاورت یا همزمانی: وقتی دو شیء یا دو رویداد از لحاظ زمانی و مکانی مقارن با هم یا نزدیک به هم باشند، همدیگر را تداعی می‌کنند.
۲. مشابهت یا همانندی: امور مشابه باعث تداعی یکدیگر می‌شوند. این شباهت می‌تواند موضوعی، مفهومی یا واژگانی باشد.
۳. تضاد: تضاد و تقابل دو شیء نیز باعث تداعی یکی توسط دیگری می‌شود.
۴. علی و معلولی: دو چیز که دارای نسبت علی و معلولی باشند موجب تداعی یکدیگر خواهند شد (شرف‌الدین، ۱۳۹۲، ۱۰۷).

۴. تصویر مسلمانان در تبلیغات تجاری

اسلام در بیشتر رسانه‌های تبلیغاتی غرب، «خطری بزرگ برای تمدن غربی» به حساب می‌آید و مسلمانان نیز عموماً گروه‌هایی خشونت طلب و تندرو که جهاد را پیشه خود قرار داده و به چند همسری اعتقاددارند و مخالف سکولاریسم و آمیختگی با دیگر مردم هستند، شناخته شده‌اند. در رسانه‌های غربی، انسان مسلمان به گونه‌ای تصویر می‌شود که گویی سوار بر اسب در دست شمشیری دارد یا عربی است که کیسه‌ای پر از دلار را حمل می‌کند و در حقیقت دستمایه جوک‌ها و طنزهای روزنامه‌های غربی را فراهم ساخته است. رسانه‌های غربی از تبلیغات تجاری به زشت‌ترین و ناپسندترین وجهی علیه اعراب مسلمان بهره‌برداری می‌کند. آنان که بر اغلب شبکه‌های خبرگزاری دنیا تسلط دارند، به روش‌های گوناگونی در تبلیغات خود اعراب (نماد مسلمانان) را انسانهایی بی‌تمدن، ابله، شهوتران و آلوده جلوه می‌دهند. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۲). خانم سیلینو^۳ در نیویورک تایمز طی مقاله‌ای با عنوان «خطر سرخ رفت خطرا اسلام آمد»، به خوانندگان هشدار می‌دهد که اسلام را همچون «خطر سبز» تصور کنند که منافع غرب را به مخاطره انداخته است (سعید، ۱۳۷۸: ۴۹). رسانه‌های غربی از تبلیغات تجاری به زشت‌ترین و ناپسندترین وجهی علیه اعراب مسلمان بهره‌برداری می‌کند. این رسانه‌ها به روش‌های گوناگونی در تبلیغات خود اعراب را انسانهایی بی‌تمدن، ابله، شهوتران و آلوده جلوه می‌دهند. در یک آگهی تلویزیونی دیگر محلول خاصی تبلیغ می‌شود که زنها به صورت مزاحمین می‌پاشند و موجب بیهوشی آنان می‌گردند. در این فیلم تبلیغاتی دختر جوانی نشان داده می‌شود که به آرامی از راهی می‌گذرد، اما ناگهان با مردی روی رو می‌شود که لباس عربی بر تن دارد. او با خنجر به زن حمله‌ور شده و قصد تجاوز به او را دارد. زن جوان محلول را به صورت او می‌پاشد و مرد عرب مدھوش می‌گردد. زن نیز در حالی که آب دهان به صورت او می‌افکند، به راه خود ادامه می‌دهد (خانم‌حمدی، ۱۳۸۶). در آن پایتخت یونان در یکی از سینماها نوعی آگهی تبلیغاتی، ویژه دارویی که نیروی جنسی انسان را فروختن می‌بخشد، پخش می‌شود. در این آگهی، عربی با موی سپید و کمری که از شدت پیری خمیده، در حالی که پیراهن بلند عربی بر تن دارد، در مقابل دکه‌ای که مجلات سکسی عرضه می‌کند، می‌ایستد. یکی از آن مجلات را برداشته و آهسته ورق می‌زند، در حالی که شهوت سراسر وجود او را احاطه کرده‌است. ناگهان دستی بهسوی او دراز می‌شود، با یک بطری که حاوی محلول نشاط آوری است که بحث آگهی تبلیغاتی است. عرب بطری را گرفته و جرعه‌ای از آن رامی‌نوشد. او بی‌مکث به اسب چموشی مبدل می‌شود که دیوانه‌وار در کوچه و خیابان دختران و زنان را دنبال می‌کند و به آنان حمله‌ور می‌شود. این بحث خنده و نشاط تملاشگران را بر انگیخته و صدای قهقهه ایشان فضای سینما را آکنده می‌کند. این عرب مسلمان است که در چنین فضای نامطلوبی هدف تیرهای مسخون مسخره و استهزاً بینندگان قرار می‌گیرد (الرفاہی، ۱۳۷۷: ۲۶-۲۵). در رسانه‌های تبلیغاتی فرانسه، اسلام به شکلی تقلیل گرایانه، در قالب جهانی بیگانه که کمترین اشتراک ارزشی را با غرب دارد، تعریف شده است. مشکل اینجا است که این تقلیل گرایی، تنها متوجه جامعه اسلامی فرانسه نیست، بلکه مستقیماً دین و تمدن اسلامی را هدف گرفته است. مجموعه‌ای از واژگان جهت دهی شده، مانند تندروی، افراط، جهاد، جنگ مقدس، چند زنی، تروریسم، نفت، ایران، الجزایر، هجرت، احیای اسلامی سازی و حاشیه نشینی در دستگاه‌های تبلیغاتی به کار گرفته می‌شود تا ذهن مخاطب غربی را نسبت به اسلام بدین کند در رسانه‌های غربی اسلام در مرحله اول دین خشن و احکام قصاص و قمهزنی در تشیع به عنوان شاخص‌های خشونت معرفی می‌گردد. در مرحله دوم چنین وانمود می‌شود که این خشونت متوجه جهان غرب است (بشاری، ۲۰۰۴).

۵. تصویر مسلمانان در بازی‌های رایانه‌ای

امروزه بخش عمده‌ای از اوقات فراغت خود را با بازی‌هایی پر می‌کنند که بالغ بر ۵۰ درصد آنان بین چهار تا هفت ساعت از زندگی روزمره خویش را به بازی‌های رایانه‌ای اختصاص داده‌اند. این آمار گستردگی بازی‌های رایانه‌ای را نشان می‌دهد. در این بازیها انسان‌های شیطان صفت در قالب سازمان‌ها، گروه‌ها و حتی دولت‌های تروریستی قصد به دست گرفتن قدرت و تمام عناصر پاک و خدایی را دارند و شما در نقش بازیگر بازی رایانه‌ای به عنوان منجی و در لباس جاسوس خبره و با ایمان و یا سربازان مؤمن و معتقد غالباً آمریکایی و انگلیسی در نقش پلیس جهانی، حاضر شده، به مبارزه با دشمنان پشتیت می‌پردازید. به همین منظور بازیهای رایانه‌ای در جهت هژمونیک کردن پیوند میان اسلام و تروریسم در جهان غرب به بازار روانه شد. امروزه بازیهای رایانه‌ای به عنوان یک کالای فرهنگی مؤثر در خدمت تشدید تقابل میان اردوگاه اسلام گرایان و اردوگاه غربیان و تحکیم تفکرات اسلام هراسی در ذهن کودکان و نوجوانان نقش بسیار بارزی ایفا می‌کند. با بررسی معیارهای کمی و کیفی بازی‌های رایانه‌ای با صنعت سینما می‌توان به اهمیت صنعت بازی‌های رایانه‌ای پی برد. چنانچه سود شرکت‌های فیلم‌سازی و بازی‌های رایانه‌ای را مبنای مقایسه قرار دهیم، به گزارش بسیاری از سایتها، صنعت بازی‌های رایانه‌ای از سینما پیشی گرفته است؛ برای نمونه در شش ماه نخست سال ۲۰۰۵ فروش بازی‌های رایانه‌ای در کشورهای اروپایی، از فروش فیلم‌های هالیوودی بیشتر بوده است و این روند به طور صعودی ادامه دارد. آمارها نشان می‌دهد که روند تولید بازی‌های رایانه‌ای به سه تا چهار هزار نسخه در سال می‌رسد و با شتابی ملmos در جامعه جهانی در حال گسترش است.

در اغلب این بازیها کشورهای اسلامی خاورمیانه به عنوان نماد تعارضات ایدئولوژیک و خشونت‌بار با قهرمانان غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برطبق این بازیها هرچه قدر بازیگر بتواند گروه بیشتری از اسلام گرایان را نابود کند و مقابله موثرتری با آنان ارائه بدهد، طبعاً امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد. در این بازی‌ها از رنگ سبز و نمادها و سمبول‌های اسلامی برای نشان دادن تروریست‌ها استفاده می‌شود. آمریکا نماد خیر مطلق است و هر فرد، گروه و دولتی که مخالف نگاه و ارزش‌هایش باشد، محور شرارت جهانی هستند. در همین قالب و در جهت گسترش تقابل و هراس میان اسلام گرایان و دولتهای غربی بازیهای متعددی تولید شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Counter بازی

در این بازی بازیگر برای مبارزه با تروریسم باید به کشورهای مختلفی بروید. مکان‌های درگیری، منطقه نقوش اسلامی هستند و تروریست‌ها با چهره مسلمانان به نمایش درآمده است. محبوبیت این بازی هیجانی (action) به حدی است که سازمان بازی جهان مجازی^{۳۴} که به برگزاری مسابقات بازی‌های کامپیوترا در دنیا می‌پردازد آن را در رأس بازی‌های خود قرار داده است. محل وقوع ماجرا در این بازی نیز مانند بسیاری دیگر از بازی‌ها، خاورمیانه و کشورهای عربی - اسلامی منطقه است و شما نمادها و نشانه‌هایی دال بر مسلمان بودن تروریست‌ها می‌بینید؛ ساختمان‌هایی با معماری اسلامی، مساجد، مناره‌ها و گنبدها و نهایتاً افرادی که می‌بایست با آنان مبارزه کرد. تروریست‌ها دارای محسن و پیشانی‌بند قرمز هستند. حتی تصاویری که پس از کشته شدن آنان نمایش داده می‌شود تداعی کننده همان تصاویری است که ما از لحظه شهادت رزم‌مندگان دیده‌ایم (پایگاه اطلاع رسانی بصیرت)

بازی سام ماجراجو

یکی از بازی‌هایی که با محوریت تشدید تقابل میان اردوگاه اسلام گرایان و غربیان وارد بازار شده بازی «سام ماجراجو در پرسپولیس» است. در این بازی، شما برای اینکه با ایادی شیطان مواجه بشوید باید به پرسپولیس ایران بیایید. در این بازی شما ایادی اهریمن شیطانی را با شکل و عناوینی مثل کدو‌حلوایی و عقرب بالغ مشاهده می‌شود؛ اما یکی از این ایادی، «کامیکاز بی‌سر» معرفی شده است. شرکت تولیدکننده درباره کامیکاز بدون سر می‌گوید: این موجود سر ندارد؛ از همین رو او را برای عملیات انتخاری در خدمت گرفته‌اند. آنها دو بمب در دستان خود حمل می‌کنند و هنگامی که به اندازه کافی به شما نزدیک می‌شوند آنها را منفجر می‌کنند. بی سر بودن کامیکاز به این معنی است که عقل و شعور و منطق ندارد. یکی دیگر از مواردی که باید درباره این بازی موردنوجه قرار گیرد این است که هرچند شما به پرسپولیس در

ایران می‌آیید اما اکثر نمادها اسلامی است. گنبد، مناره و یا طرح‌های اسلامی که بر دیوارها نقش بسته، گویای این مطلب است. وقتی به دقت به بعضی از این نقوش اسلامی نگاه می‌کنیم می‌بینیم نوشته شده: «و علی باهها» که بخش پایانی این حدیث معروف نبوی است: «انا مدینه العلم و على باهها». در نگاه اول کاربر متوجه این مطلب نمی‌شود و آن را تنها یک طرح اسلامی می‌بیند. عبارت «العلم و على باهها» در نقاط مختلفی از بازی موردتوجه قرار می‌گیرد. در این بازی، شما برای مبارزه با ایادی شیطان در نقاط مختلفی در گیر می‌شوید که غالباً منتش به نقوش اسلامی و همانند اماکن اسلام است (خاکزاد شاهاندشتی، ۱۳۹۱: ۵۹).

بازی آیین قاتل

در این بازی شما باید در نقش یک فدایی، اقدام به ترور سران مسیحی جنگ صلیبی بکنید. این فدایی که در بازی به نام «الطیر» شناخته می‌شود یک ایرانی اسماعیلی است. (فرقة اسماعیلیه یکی از فرق شیعی است که به مهدویت و منجی‌گرایی توجه دارد). مردی سفیدپوش، سوار بر اسب با شمشیری می‌آید. او خود را از شیعیان ایرانی می‌داند. مردی شجاع و قوی که خود را فدایی می‌داند و هدفی جز کشتن ندارد. داستان بازی در قرن دوازدهم روایت می‌شود. بحث آن نیز جنگ صلیبی است. داستان بازی در بیت المقدس یا اورشلیم و نیز دمشق و عکا اتفاق می‌افتد (حق وردی، ۱۳۸۷: ۷-۸).

۶. تصویر مسلمانان در اینترنت

بودجه سایت‌های اینترنتی ضد اسلامی یک میلیارد دلار است. یک تحقیق انجام شده از سوی دانشگاه الازهر نشان می‌دهد بیش از ۵ هزار سایت اینترنتی سرگرم فعالیت تخریبی علیه دین مبین اسلام و مسلمانان هستند. در این بررسی، تاریخچه تاسیس سایت‌های ضد اسلامی از سال ۱۹۸۰ میلادی مورد کنکاش قرار گرفته و به این نتیجه دست یافته است که برخی از سازمان‌های صهیونیستی، جزو نخستین نهادهایی بودند که به اهمیت بهره گیری از اینترنت برای بسط و نشر افکار ضد اسلامی شان پی برداشتند. رویکرد اصلی برخی از سایت‌های اینترنتی غربی، روا داشتن جسارت و اهانت به ساحت پیامبر گرامی اسلام (ص)، خدشه دار ساختن قرآن و اهانت به پیامبر اکرم (ص) بوده و گردنده‌گان برخی از سایت‌های دیگر اقدام به نگارش سوره‌ها و آیاتی شبیه آیات قرآنی می‌نمایند که آنکنه از هرزه درایی و عقده گشایی نسبت به اسلام و مسلمانان است (علیزاده، ۱۳۸۸: ۳۶).

در این بررسی همچنین برخی از سایت‌های اینترنتی، کلمات و عبارات قرآنی مشهور را با خطوط عربی و در شکل خوک، سگ و دیگر حیوانات، در صفحه اصلی خود درج می‌نمایند. از طرفی برخی از این سایت‌ها که در این تحقیق به عنوان «سایت‌های نژاد پرستانه» توصیف شدند، مدام مسلمانان را به ارتکاب اعمال تروریستی، خونریزی و نژادپرستی متهم می‌کنند و در این میان، سایت‌های اینترنتی ضدآلاقی و مستهجن، اقدام به درج آیات قرآنی در حواشی صفحه اصلی خود می‌نمایند. از طرفی در بعضی از سایت‌های اینترنتی ویژه‌مد، کلمات و آیات قرآنی در حواشی لباس‌های ارائه شده در شوهای معروف لباس، نقش بسته است (علیمرادی، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۷).

۷. انتشار کاریکاتور

ادوارد سعید معتقد است در رسانه‌های غربی، همواره اسلام را به عنوان دین طرفدار خشونت و ترور معرفی کند و به همین منظور مکرراً کاریکاتور مسلمانان به صورت‌های تولید کننده‌گان نفت، افرادی تروریست و بیشتر در این اواخر، جمعیت‌های تشنه خون موردتوجه غربیان قرار می‌گیرد چنانچه وی معتقد است مسلمانان و اعراب اساساً تنها به صورت تأمین کننده‌گان نفت یا تروریست‌های بالقوه تولید کننده‌گان نفت، رسانه‌های غربی قرار می‌گیرند. ادوارد سعید معتقد است که در رسانه‌های غربی مکرراً کاریکاتور مسلمانان به صورت‌های تولید کننده‌گان نفت، افرادی تروریست و بیشتر در این اواخر، جمعیت‌های تشنه خون معرفی می‌شوند. در ادامه روند ایجاد ذهنیت منفی از اسلام برخی از سایت‌های اینترنتی، کلمات و عبارات قرآنی مشهور را با خطوط عربی و در شکل خوک، سگ و دیگر حیوانات، در صفحه اصلی خود درج می‌نمایند. از طرفی برخی از این سایت‌ها که در این تحقیق به عنوان «سایت‌های نژاد پرستانه» توصیف شدند، مدام مسلمانان را به ارتکاب اعمال تروریستی، خونریزی و نژادپرستی متهم می‌کنند و در این میان، سایت‌های اینترنتی ضدآلاقی و مستهجن، اقدام به درج آیات قرآنی در حواشی صفحه اصلی خود می‌نمایند (سعید، ۱۳۷۹: ۷۹-۷۶). مجله فرانسوی "چارلی هبدو" با ارائه کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اسلام (ص) آتش خشم مسلمانان را برانگیخت. این کاریکاتوریست فرانسوی سال گذشته هم چندین کاریکاتور موهن منتشر کرده بود که در پی انتشار این کاریکاتورهای هتاکانه دفتر مجله وی به آتش کشیده شد. (فرهنگیان نیوز، ۱۳۹۱/۶/۲۹).

فرجام

در دنیای متحول و در حال شکل گیری که بهویژه نقش رسانه‌ها، روایت کردن و ایجاد تصویر اهمیت بسیاری دارد، فرآیند «اسلام سنتیزی» و دشمن سازی از مسلمانان ابعاد و گستره زیاد و مهمی به خود گرفته است، روز به روز در حال توسعه است و جنبه سیاسی و بهره گیری از آن ابعاد جدیدتری دارد. اسلام سنتیزان طیف متنوع و گستره‌ای دارند ولی دقت در این جریان ضروری است و باید ابعاد مختلف آن را شناسایی کرد. هویت یابی مسلمانان و تلاش برای در دست گرفتن سرنوشت و مقاومت در برابر ظلم و اشغال در سراسر جهان اسلام و همچنین شکل گیری جوامع قدرتمند مسلمان در داخل جوامع غربی، ارائه چهره خشن و غیر عقلانی از اسلام، در کنار برداشت‌های افراطی و تندرو از اسلام، خشونت به نام اسلام، بهویژه کینه و نفرت جریان‌های صهیونیستی و... همه دلایل و زمینه‌های گسترش و قدرت گیری این جریان نژادپرستانه و نامبارک است.

امروزه اسلام در بیشتر رسانه‌های تبلیغاتی غرب، «خطری بزرگ برای تمدن غربی» به حساب می‌آید و مسلمانان نیز عموماً گروههای خشونت طلب و تندرو که جهاد را پیشه خود گرفتند و به چند همسری (تعدد زوجات) اعتقاد دارند و مخالف سکولاریسم و آمیختگی با دیگر مردم هستند، شناخته شده‌اند. رسانه‌های غربی از جمله رسانه‌های مکتوب مانند کتاب، روزنامه، نشریه‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری مانند شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی و نیز رسانه‌های مجازی مانند پایگاه‌های اینترنتی نقش عمده ای در فرآیند «اسلام هراسی» در غرب و فراهم کردن فضا برای سیاست‌های ضد اسلامی ایفا کرده است. جهان اسلام نیز در هر گونه پاسخ به تهاجم‌ها، باید استفاده از این ابزارها را مدنظر قرار دهد.

امروزه غربیان باید به این نکته توجه کنند که اسلام گرایی به عنوان رقیب قدرتمند تمدن غربی مطرح شده است و کلیت غرب را به چالش کشیده است؛ و در واقع یک فرایند سکولار زدایی را در جهان آغاز نموده است. بدین معنا که گروه‌های اسلام گرا ابتدا از طریق تشکیل دولت، سیاست را از حوزه امور عرفی به امور دینی وارد می‌کنند و در ادامه تلاش می‌کنند تا اقتصاد، فرهنگ و اجتماع را نیز در پوشش دین قرار دهد.

۱. استفاده از رسانه در اشکال مختلف، برای رویارویی با جنگ رسانه‌ای غرب علیه جهان اسلام و مسلمانان که این امر نیازمند ایجاد رسانه‌های بومی در جهان اسلام و تربیت متخصصان رسانه‌ای منطبق با آموزه‌های اسلامی و فناوری‌های جدید است.
۲. گروههای میانه‌رو و معتدل در جهان اسلام و جهان غرب به یکدیگر نزدیک شده و با همکاری یکدیگر از گسترش فضای خشونت و تعصب جلو گیری کنند. به نظر می‌رسد بهترین راهکار برای کاهش تضاد و خصوصیت میان جهان اسلام و جهان غرب پیدا کردن راهی برای درک واقعیات جهان اسلام برای غربیان می‌باشد. از طرف دیگر با پالایش مفاهیم موجود می‌توان در راستای ایجاد همدلی در بین مسلمانان و دنیای غرب اقدام کرد.
۳. به نظر می‌رسد هراس و وحشت از بازگشت گروه‌های اسلام گرا در جهان غرب کاملاً جنبه اقتنایی پیدا کرده است. بدین معنا که رسانه‌ها و دولت‌های غربی با زور و اجبار خواهان تحمیل اجرایی هراس از اسلام نیستند بلکه از طریق یک جنگ نرم توانسته اند افکار عمومی مردم خود را نسبت به خطرناک بودن جریانات اسلام گرا اقتنا کنند.
۴. آگاه سازی و متقدعاً کردن مردم غرب به این موضوع که گروه‌ها و جریاناتی که به نام اسلام دست به اقدامات تروریستی و خشونت‌بار می‌زنند در واقع گروه‌هایی منحرف از اسلام بوده و اقدامات آنها ارتباطی با جوهر و ذات اسلام ندارد.
۵. یکی از راهکارهای اصولی و بنیادی در جهت مقابله با گسترش گفتمان اسلام هراسی، نظریه پردازی و تئوری پردازی متفکران مسلمان درباره خواستگاه، ماهیت، عملکرد و نتایج جریانات اسلام گرا در جهان اسلام می‌باشد. در واقع آنچه که امروزه درباره جریانات اسلام گرا تئوری پردازی شده است بیشتر به جنبه‌های منفی پرداخته است به گونه‌ای که شهروندان غربی تصور می‌کنند که جریانات اسلام گرا شبیه مکاتب فاشیسم و کمونیسم در جهان غرب بوده و با عبور جهان اسلام از بحران‌های متعددی که دچار آن شده است (بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نوسازی...) کم کم این جریانات تضعیف شده و جهان اسلام از این دوران گذار وارد مرحله مدرن خواهد شد. بنابراین می‌توان با یک برنامه ریزی همه جانبه و دقیق معانی و عناصر گفتمان اسلام هراسی را دچار چالش نمود.

منابع

۱. احمد، اکبر (۱۳۸۰)، *پست مدرنیسم و اسلام*، ترجمه فرهاد فرهمند پور، تهران، نشر ثالث
۲. اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان: از آغاز تا شورای روم و اتیکان* (۱۹۶۵)، تهران؛ نشر سمت.
۳. الوبیری، محسن (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران، انتشارات سمت.
۴. امینیان جزی، بهادر (۱۳۸۹)، *اسلام هراسی در غرب، علل و بازیگران*، *مجموعه مقالات همایش «اسلام هراسی»* پس از ۱۱ سپتامبر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) *دو چهره اسلام هراسی: سلبی و ایجابی در تبلیغات*، رسانه، ۵ شماره ۵۷.
۶. افخمی، حسینعلی، نیک ملکی، محمد (۱۳۸۹)، *اسلام هراسی در اروپا؛ بررسی موردی فیلم فتنه*، رسانه، سال بیستم، شماره ۳.
۷. الرفاعی، فواد بن سید عبدالرحمن (۱۳۷۷)، *نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمانهای بین المللی*، ترجمه حسین سروقامت، تهران، نشر کیهان.
۸. باهرن، ناصر (۱۳۸۷)، *رسانه ها و دین؛ از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون*، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۹. بشاری، محمد (۲۰۰۴)، *صوره الاسلام فی الاعلام الغربي*، دمشق، ناشر دارالفکر؛ به نقل از: مجله پگاه حوزه، بهمن ۱۳۸۴، شماره ۱۷۶.
۱۰. بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۹)، *تصویرسازی و کلیشه سازی هالیود از مسلمانان*، *فصلنامه رسانه*، سال بیستم، شماره ۳.
۱۱. بودریار، زان (۱۳۷۴)، *سرگشته نشانه ها، نمونه هایی از نقد پسامدرون*، ترجمه و تألیف مانی حقیقی، تهران، انتشارات نشر مرکز.
۱۲. بنارد، چریل (۱۳۸۴)، *اسلام دموکراتیک*، *محمد عسگر قهرمانپور*، پژوهشگاه دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. بروجردی، مصطفی (۱۳۸۷)، *روابط اسلام و غرب*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۴. بنگاش، ظفر (۱۳۸۹)، *نقش رسانه های غربی در گسترش اسلام هراسی* پس از ۱۱ سپتامبر، *مجموعه مقالات همایش «اسلام هراسی»* پس از ۱۱ سپتامبر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۵. بوazar، مارسل (۱۳۶۲)، *انسان دوستی در اسلام*، ترجمه محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلام حسین یوسفی، تهران، انتشارات توسع.
۱۶. بهرام پور، علی (۱۳۸۰)، *بنیادگرایی اسلامی، ظهور و تداوم آن در جهان اسلام*، تهران، ماهنامه آفتاب، شماره سیزدهم.
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی بصیرت (۱۳۸۸)، «پشت پرده بازی های رایانه ای»، به نشانی: <http://basirat.ir/fa/print/123861>
۱۸. پست من، نیل، (۱۳۸۶)، *زندگی در عیش*، مردن در خوشی ترجمه صادق طباطبائی، چ پنجم، تهران، نشر اطلاعات.
۱۹. تسخیری، محمد علی (۱۳۸۵)، *غرب و خیزش اسلامی*، تهران، *فصلنامه انديشه انقلاب اسلامي*.
۲۰. ثوابق، جهانبخش (۱۳۷۹)، *نگرش تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام*، قم، موسسه بوستان کتاب.
۲۱. حق وردی، مهدی (۱۳۸۵)، *بازیهای رایانه ای، ماهنامه موعود*، شماره ۸۷.
۲۲. جلال درخشش، سید محمد مهدی حسینی فائق (۱۳۸۹)، «اسلام هراسی در رسانه های غربی؛ مطالعه موردی رسانه های بریتانیا»، *فصلنامه رسانه*، سال ۲۰، شماره ۳.
۲۳. خاکزاد شاهاندشتی، سید غلام محسن (۱۳۹۱)، «بازیهای رایانه ای»، *ماهنامه پر سمان*، شماره ۱۲.
۲۴. خانمحمدی، کریم (۱۳۸۶)، *اسلام، غرب و رسانه ها، خبرگزاری فارس*. در سایت: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8610230136>
۲۵. خبرگزاری فارس (۱۳۸۷)، *مسلمانان قربانیان همیشگی هالیوود*؛ در سایت: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=851107012>
۲۶. خراسانی، رضا (۱۳۸۹)، *مواجهه غرب و اسلام سیاسی (چیستی و چرایی)*، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱۳، شماره ۴۹.
۲۷. خانی، محمد حسن، (۱۳۸۹) *اسلام هراسی در رسانه های غربی؛ مطالعه موردی روزنامه تایمز چاپ لندن*، رسانه، سال بیستم، شماره ۳.
۲۸. رهنورد، حمید (۱۳۸۵)، *ترویسم، رسانه و افکار عمومی آمریکا*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره چهارم.
۲۹. رضویزاده، سید نورالدین، (۱۳۷۷)، *وانمایی و سلطه در جریان بین المللی خبر، مجموعه مقالات دوین سمینار برای مسائل مطبوعات ایران*، جلد ۲، انتشارات رسانه.
۳۰. رزقوق، محمود محمدی (۱۳۸۷)، *اسلام و غرب*، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. دفلور، ملوین و اورت ای. دنیس (۱۳۸۳)، *شناخت ارتباطات جمعی ترجمه سیروس مرادی*، تهران، دانشکده صدا و سیما.
۳۲. سایت سازمان ملل متحد، Islamophobia: Meaning, Manifestations, Causes، به نقل از آدرس:

<http://www.un.org/News/Press/docs/2004/sgsm9637.doc.htm>

۳۳. سعید، ادوارد (۱۳۷۹)، *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، تهران، انتشارات توسعه.
۳۴. سعید، ادوارد (۱۳۷۸)، *پوشش خبری اسلام در غرب*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۵. شرف الدین، سید حسین، گنجیانی، سید مهدی (۱۳۹۲)، *هالیود و توطئه اسلام هراسی با نفوذ در ناخودآگاه*، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۴.
۳۶. شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۳)، *محمد رسول خدا*، ترجمه دکتر حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۳۷. شکرخواه، یونس (۱۳۸۲) *جنگ رسانه‌ای*، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، شماره ۱.
۳۸. شعار غفاری، پرویز (۱۳۷۴) *تبليغات خبری و منافع ملی*، *فصلنامه رسانه*، ویژه‌نامه آموزشی ۱.
۳۹. ضایایی پور، حمید (۱۳۸۳)، *جنگ نرم ۲*، ویژه جنگ رسانه‌ای، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۴۰. ضابط، حیدررضا (۱۳۸۸)، *تاریخ و فرهنگ اسلامی مطالعات اسلام در ایالات متحده آمریکا از جمهوری تا امپراتوری*، *فصلنامه مشکوہ*، شماره ۷۸.
۴۱. عاملی، سعید رضا (۱۳۸۶)، *ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اسلام هراسی، اولین همایش اسلام هراسی در غرب*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۴۲. علی پور، محمود (۱۳۹۲)، *هالیود معبد منجی ماسون‌ها*، *ماهnamه فرهنگ پویا*، شماره ۲۰.
۴۳. علیمرادی، مصطفی (۱۳۸۸)، «بررسی رهیافت‌های گوناگون به دین در اینترنت با نگاه ویژه به اسلام»، *فصلنامه ره آورد نور*، شماره ۲۸.
۴۴. علیزاده، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «اسلام ستیزی در وب»، *ماهnamه امید انقلاب*، سال بیست و هشتم، شماره ۴۰۲.
۴۵. فتوره چی، نادر (۱۳۸۷)، *جنبش دانشجویی در آمریکا: رویدادها و قطعاتی از دهه ۶۰*، تهران، انتشارات صبا.
۴۶. فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسینیکی (۱۳۸۸)، «تعییض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر»، *ترجمه علی مرشدی‌زاد*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
۴۷. فرهنگیان نیوز تدبیر (۱۳۹۱)، در ادامه موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب؛ انتشار کاریکاتورهای موهن در یک مجله فرانسوی.
۴۸. *فصلنامه انتظار* (۱۳۹۳) مهدی انکاری و انتظار ستیزی، شماره ۵. در سایت: <http://entizar.ir/?cat=158>
۴۹. کریم، ح. کریم (۱۳۸۳)، *انگاره‌های اصلی از غیرخودی‌های مسلمان*، ترجمه لیدا کاووسی، رسانه، ۵ شماره ۵۷.
۵۰. کاهه، ابلفضل (۱۳۹۲)، *اسلام غربی یا غرب اسلامی*، باشگاه اندیشه، به نقل از سایت: www.masaf.ir.
۵۱. گارده، لویی (۱۳۵۲)، *اسلام، دین، امت*، ترجمه رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵۲. گابرل، نیل (۱۳۹۱) *امپراطوری هالیوود*: مروی بر زندگی خالقان یهودی سینما؛ مترجم الهام شوشتاری‌زاده، تهران، نشر عابد.
۵۳. لوئیس، برنارد (۱۳۸۴)، *مشکل از کجا آغاز شد؟ تأثیر غرب و واکنش خاور میانه*، ترجمه شهریار خواجه‌یان، تهران، نشر اختiran.
۵۴. لوئیس، برنارد (۱۳۸۳)، *برخورد فرهنگ‌ها*، ترجمه بهمن دخت اویسی، تهران، نشر تاریخ ایران.
۵۵. *ماهnamه امان* (۱۳۸۶) "غرب و مسئله جهاد" بهمن و اسفند، شماره ۹.
۵۶. مک کوایل، دن یس (۱۳۸۲) در آمدی بر نظریه ارتباطات جمعی پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۵۷. مرشدی‌زاد، علی، غفاری هشجین، زاهد (۱۳۸۶)، *اسلام هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل*، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال سوم، شماره ۲، دوم، پاییز و زمستان.
۵۸. مطهری نیا، محمود (۱۳۸۳)، *شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور)*، تهران، انتشارات موعود عصر.
۵۹. مهدیزاده، سید محمد (۱۳۸۰)، *تصویرسازی منفی رسانه‌های غرب از جهان اسلام و ملل شرق*، *فصلنامه رسانه*، سال ۱۲، ش ۴۷.
۶۰. مونتگمری وات، ویلیام (۱۳۷۳) *برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان*، *تفاهمات و سوء تفاهمات*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶۱. نصر، صلاح (۱۳۸۰)، *جنگ روانی*، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، سروش، شماره ۱۳.
۶۲. ورتوك، استیون، پیچ، سری (۱۳۸۰)، *اسلام در اروپا*، *سیاستهای دین و امت*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، مرکز بازنگشتنی اسلام و ایران.
۶۳. ونکی فراهانی، محمد (۱۳۸۴)، *گذری بر اندیشه دینی در غرب*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۶۴. هوور، استوارت ام (۱۳۸۸)، دین در عصر رسانه‌ها ترجمه‌ی عالی عامری مهابادی و دیگران، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۶۵. هوور، استوارت ام، لاندباوی، نات، (۱۳۸۵) بازندهی درباره‌ی رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه: مسعود آربایی نیا، تهران، انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
۶۶. بزدی نژاد، زهرا (۱۳۸۷)، **ناتوی فرهنگی**، تهران، انتشارات خورشید باران.

منابع انگلیسی

1. - <http://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-3292279,00.html>.
2. Ameli, Saied. (2007), **The British Media and Muslim Representation: The Ideology of Demonization**, England: Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-31-7.
3. Ameli, Saied. R, Merali, Arzu, (2004), **Dual Citizenship: British, Islamic or Both?** Obligation, Recognition, Respect and Belonging, Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-26-6.
4. Benn, T. & Jawad, H. (2004), **Muslim Women in the United Kingdom and Beyond**: Experiences and Images.
5. Brill Academic, 2004.Publishers.
6. Egorova, Y. & Tudor, P. (2003), **Jews, Muslims, and Mass Media: Mediating the 'Other'**, London: Routledge Curzon.
7. Johnson, M. R. D. Soydan, H; Williams, C. (1998), **Social Work and Minorities: European Perspectives, London**; New York: Routledge.
8. Gottschalk, Peter & Greenberg, G. (2008), **Islamophobia: Making Muslims the Enemy**, USA: Rowman & Littlefield Publishers
9. Miles, R. & Brown, M. (2003), **Racism**, London; New York: Routledge.
10. Masci, David (2004), "An Uncertain Road: Muslims and the Future of Europe, The Pew Forum on Religion and public Life", December, at: <http://pewforum.org/publications/reports/MuslimsinEurope2004.pdf>
11. Muslims and Crime (2005) **A Comparative Study**, Ashgate Publishing Ltd.
12. Marranci,Gabriele, (2004) Multiculturalism, Islamand the Clash of Civilisationl the ory: **eThinking Isamophobia**, Culture and Religion Vol. 5, No 1.
13. "International Helsinki Federation for Human Rights" (IHF) (2005), **Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU: Developments,since September 11, March**.
14. Abbas, Tahir, (2007),**Muslim Minorities in Britain: Integration, Multiculturalism and Radicalism in the Post-7/7 Period**, Journal of Intercultural Studies, Vol. 28, No. 3, August 2007.
15. Allen, Chris, (2006), Securization and Religious Divides in Europe, GSRL-Paris and Harvard University
16. Bennetto, Jason, (2004), "Crackdown by Police is Driving Muslims to Extremists", The Independent, February 2, 2004.
17. Fetzer S.Joel and Soper, (2005) **J. Christopher, Muslims and the State in Britain, France, and Germany**, Cambridge University Press.
18. Field, D. Clive, (2007), «Islamophobia in Contemporary Britain: The Evidence of the Opinion Polls,1988-2006», **Islam and Christian-Muslim Relations**, Vol. 18, No. 4, October.
19. Weller, P, Feldman, A, Purdam, K, (2001), Muslims and Religious Discrimination in England and Wales In Jamal Malik, Muslims in Europe: From **the Margin to the Centre**, Munster: LIT.
20. Islamophobia (1997): **A Challenge for Us All, Runnymede Trust**, cited in Quraishi, Muzammil. Muslims and Crime: A Comparative Study, Ashgate Publishing Ltd, 2005.
21. Schwartz. He (2006), "**isiamophobes**" Thatarent:
<http://www.frontpagemag.Com/Articles/Read.aspx?GUID=448A41BB-FCAA-4A8F-A288-538DD09269EA>
22. Spencer, Robert, (2002) **Islam Unveiled**, Encounter Books.